

Consequential Damages in United States and Iranian Law

Esmail Nematollahi  ¹

1.° Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran, Email: Esmail_nematollahi@yahoo.com

Abstract

Received:
2025/01/04
Revised:
2025/06/30
Accepted:
2025/07/27
**Published
online:**
2025/09/23

One type of damages resulting from the breach of contract in American law is consequential damages, also known as special damages and indirect damages, as opposed to compensatory or direct damages. The term has been used in the American legal literature, in judicial judgments, and in important American documents and laws, such as the Uniform Commercial Code, but the meaning of this damages and its compensability is very doubtful. It is argued that the authors' attempt to explain this concept has failed, and thus, some great American jurists have suggested that the usage of the term should be stopped. However, the choice of American law as the subject of this study is due to the widespread use of the term consequential damages in US law, especially in legal texts, and hence, to find a relatively reliable basis for studying this concept. The term consequential damages does not appear in Iranian Regulations but it is used in legal literature and some concepts and terms with the same function are seen in Iranian laws. Recognition of this concept is especially important in cases where US law governs the relationship between the contracting parties and also where an exclusion clause for consequential damages is included in the contract. Due to the fact that this term is not existed in Iranian Laws, a great part of this study is devoted to recognition of the term in US Law and it endeavors to find and compare concepts and terms with similar function in Iranian law.

Keywords: breach of contract, consequential damages, direct damages, compensatory damages.

How To Cite: Nematollahi, E. (2025). Consequential Damages in United States and Iranian Law, *Comparative studies on Islamic and Western Law*, 12 (3), 229-254. <http://www.doi.org/10.22091/csiw.2025.12053.2621>

Published by: University of Qom ©The Author(s) **Article type:** Research





خسارت تبعی ناشی از نقض قرارداد در حقوق آمریکا و ایران

اسماعیل نعمت‌اللهی^۱

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه قم. قم، ایران، رابانامه: Esmail_nematollahi@Yahoo.com

چکیده

یکی از اقسام خسارت ناشی از نقض قرارداد در حقوق آمریکا خسارت تبعی است که با نام‌های دیگری مانند خسارت خاص و خسارت غیرمستقیم نیز شناخته می‌شود. اصطلاح مذکور در ادبیات حقوقی، آرای قضایی و اسناد و قوانین مهم آمریکا مانند قانون متحدالشکل تجاری به کار رفته، اما مفهوم این خسارت و قابلیت جبران آن در حقوق آمریکا با ابهام زیادی همراه است و می‌توان گفت که تلاش نویسندگان برای تبیین این مفهوم به جایی نرسیده است. از این رو، برخی از حقوق‌دانان بزرگ آمریکا پیشنهاد کرده‌اند که کاربرد این اصطلاح متوقف شود. با این حال، انتخاب حقوق آمریکا به‌عنوان موضوع این تحقیق به دلیل کاربرد گسترده اصطلاح خسارت تبعی در حقوق آمریکا، خصوصاً متون قانونی و از این رو، یافتن مبنای نسبتاً مطمئنی برای مطالعه این مفهوم است. در قوانین کشورمان اصطلاح «خسارت تبعی» دیده نمی‌شود، اما در ادبیات حقوقی این تعبیر به کار رفته و مفاهیم و اصطلاحاتی با کارکرد مشابه در مقررات حقوقی ملاحظه می‌شود. شناسایی این مفهوم خصوصاً در مواردی که حقوق آمریکا بر روابط طرفین حاکم است و نیز در جایی که شرط سلب مسئولیت در مورد خسارت تبعی در قرارداد درج می‌شود، اهمیت زیادی دارد. با توجه به عدم وجود اصطلاح خسارت تبعی در قوانین کشورمان، بخش عمده‌ای از مقاله به شناسایی این مفهوم در حقوق آمریکا اختصاص دارد و سپس تلاش می‌شود مفاهیم و نهادهای مشابه با این مفهوم در حقوق ایران شناسایی و مورد مقایسه قرار گیرند. مفهوم قابل مقایسه با خسارت تبعی، شرط قابلیت پیش‌بینی خسارت است. این مقاله با روش تحقیق تحلیلی توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی موضوع پرداخته است.

واژگان کلیدی: نقض قرارداد، خسارت تبعی، خسارت مستقیم، خسارت جبرانی.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۱۵

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۵/۰۵

تاریخ انتشار برخط:

۱۴۰۴/۰۷/۰۱

استناد: نعمت‌اللهی، اسماعیل (۱۴۰۴). خسارت تبعی ناشی از نقض قرارداد در حقوق آمریکا و ایران، *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱۲ (۳)، ۲۵۴-

<http://www.doi.org/10.22091/csiw.2025.12053.2621> .۲۲۹



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

در ابتدا مناسب است که درباره جایگاه خسارت تبعی در بین اقسام خسارت و خاستگاه آن توضیحی ارائه شود. خسارت‌های ناشی از نقض قرارداد در کامن‌لا طبق یک تقسیم‌بندی به چهار دسته خسارت‌های جبرانی^۱ (خسارت واقعی^۲ یا خسارت انتظار)، خسارت‌های تبعی^۳، خسارت‌های اسمی^۴ و خسارت‌های تعیین‌شده^۵ تقسیم می‌شوند (Tepper, 2012: 234). طبق تقسیم‌بندی دیگر، خسارت‌های جبرانی به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند و خسارت تبعی همراه با خسارت جانبی^۶ در دسته خسارت‌های غیرمستقیم قرار می‌گیرند (Rose, 2004: 7). اصطلاح خسارت تبعی در کاربرد متداول بر خسارت بعید و غیرمستقیمی اطلاق می‌شود که شخصی در وضعیت طرف ناقض عرفاً آن را در زمان انعقاد قرارداد پیش‌بینی نمی‌کرده است و چنین خسارتی در دسترس طرف زیان‌دیده نیست (Turner, 2001: 660).

سابقه خسارت تبعی در آمریکا به دعوای انگلیسی هدلی علیه بکسندل^۷ بازمی‌گردد (Diamond, 1994: 665; Merica, 2011: 1; Hause, 1983: 158, n.8; Murphey, 1989: 415-474, n. III; West and Duran, 2008: 784). در این دعوا متصدی حمل در برابر مالک آسیاب تعهد کرده بود که میل‌لنگ شکسته آسیاب را به سازنده آن در شهر دیگری تحویل دهد تا به‌عنوان الگو برای ساختن میل‌لنگ دیگری استفاده شود. تحویل میل‌لنگ پنج روز از زمان تعیین شده به تأخیر افتاد. تنها زمانی که مالک آسیاب متحمل شده بود از دست دادن منافع در مدت تأخیر بود. مالک دعوای عدم‌المنفع مدت تعطیلی آسیاب را اقامه کرد و به صورت خاص، خسارت مربوط به ناتوانی در تهیه آرد برای مشتریان در مدت تأخیر را مطالبه کرد. مالک آسیاب ادعا کرد که مجبور شده برای برخی از مشتریان خود آرد خریداری کند، از سود و منافع محروم گردیده و با اینکه دستمزد کارگران خود را پرداخته، نتوانسته از نیروی کار آن‌ها استفاده کند. متصدی حمل در دفاع خود به این نکته استناد کرد که خسارت مورد مطالبه مالک آسیاب بسیار بعید است. هیئت منصفه با راهنمایی قاضی حکم به پرداخت ۵۰ پوند به خواهان

1. Compensatory damages
2. Actual damages
3. consequential damages
4. Nominal damages
5. Liquidated damages
6. Incidental Damages
7. Hadley v. Baxendale, 156 Eng. Rep. 145 (Ex. 1854)

داد. در مرحله استیناف، دادگاه خزانهداری دستور رسیدگی مجدد را صادر کرد. دادگاه در حکم خود قاعده‌ای را تأسیس کرد که حتی امروزه نیز به‌عنوان محدودیتی بر خسارت ناشی از نقض قرارداد تلقی می‌شود. در حکم دادگاه آمده است: خسارتی که یک طرف می‌تواند در مورد نقض قرارداد مطالبه کند باید به‌گونه‌ای باشد که عرفاً و منطقاً یا ناشی از نقض قرارداد تلقی شود یا بتوان فرض کرد که در زمان انعقاد قرارداد به‌عنوان نتیجه احتمالی نقض در ذهن طرفین قرار داشته است. دادگاه با تذکر این نکته که در بسیاری از موارد که متصدی حمل در تحویل کالا در موعد مقرر تأخیر می‌کند، کسب‌وکار ارسال‌کننده کالا تعطیل نمی‌شود، اعلام کرد: در این مورد نمی‌توان این‌گونه تلقی کرد که طرفین در زمان انعقاد قرارداد از دست دادن منافع را به‌عنوان نتیجه نقض در نظر داشته‌اند، چراکه چنین زیانی نه در اغلب موارد، نتیجه طبیعی نقض است و نه این اوضاع و احوال خاص^۱ به اطلاع خواننده رسیده بود.

خواسته خواهان عدم‌النفع ناشی از تأخیر در ارسال محموله بود و این تنها زیانی بود که خواهان در نتیجه نقض متصدی حمل متحمل شده بود. در واقع دعوی خسارت مستقیم یا جبرانی مطرح نبود و تنها خسارت تبعی مطالبه شد. دادگاه با توجه به وقایع این دعوا نتیجه گرفت که خواهان تنها این نکته را به خواننده اطلاع داده که وی آسیبان است و شیء مورد حمل میل‌لنگ شکسته است. دادگاه رأی داد که این وقایع به تنهایی نمی‌تواند موجب شود که خواننده عدم‌النفع ناشی از تأخیر در تحویل میل‌لنگ را پیش‌بینی کند؛ از این رو، خواننده مستحق دادرسی جدیدی است، البته در هیچ‌جای رأی دادگاه، اصطلاح خسارت تبعی به کار نرفته است (Turner, 2001: 657-658). دعوی هدلی، در مورد خسارت‌های جبرانی، معیار رابطه سببیت و در خصوص خسارت‌های تبعی، معیار قابلیت پیش‌بینی را پذیرفته است. در مورد اینکه دادگاه در پذیرش معیار اخیر از قانون مدنی فرانسه تأثیر پذیرفته یا نه، بحثی وجود دارد که در بخش «معیار خسارت تبعی» خواهد آمد.

دعوی هدلی طبق یک تفسیر (Treitel, 2015: 1807, no.20-105) مشتمل بر یک قاعده دو بخشی و طبق تفسیر دیگر (Diamond, 1994: 668-669) مشتمل بر دو قاعده است. بخش اول این است که خسارتی که به‌طور طبیعی از نقض قراردادهای مشابه ناشی می‌شود، قابل مطالبه است. بخش دوم که به خسارت تبعی مربوط می‌شود این است که زیان‌های دیگری که ناشی از اوضاع و احوال خاص طرف غیرناقص است تا جایی قابل مطالبه است که در زمان انعقاد قرارداد به اطلاع طرف ناقص رسیده باشد و بنابراین، به‌عنوان نتیجه احتمالی نقض

۱. یعنی این که مالک آسیاب میل‌لنگی یدکی ندارد و تأخیر متصدی در تحویل میل‌لنگ به سازنده، به تعطیلی آسیاب منجر می‌شود.

«در ذهن طرفین»^۱ بوده است. در ادامه، ابتدا به بررسی خسارت تبعی در حقوق آمریکا و سپس در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

۱. خسارت تبعی در حقوق آمریکا

مباحث مربوط به خسارت تبعی در حقوق آمریکا در پنج بخش مطرح می‌شود: خسارت تبعی در ادبیات حقوقی، خسارت تبعی در قوانین آمریکا، رابطه خسارت تبعی با عدم‌النتفع، معیار ارزیابی خسارت تبعی و شرایط مطالبه خسارت تبعی.

۱-۱. خسارت تبعی در ادبیات حقوقی

اصطلاح «خسارت تبعی» دارای ابهام زیادی است. آرتور کوربین، حقوق‌دان معروف آمریکایی، در مورد این نوع خسارت می‌گوید: اصطلاح «خسارت تبعی» اغلب در مورد زیانی به کار می‌رود که در نتیجه^۲ نقض وظیفه حادث شده، اما نتیجه مستقیم و بی‌واسطه و قابل پیش‌بینی نقض نبوده است. کاربرد این اصطلاح در قانون متحدالشکل تجاری ادامه یافته است. خسارت تبعی ممکن است به‌طور مسامحی مترادف با خسارت خاص و در برابر خسارت عام به کار رود. اگر چنین خسارتی قابل جبران نباشد، به دلیل قابلیت پیش‌بینی و بعید بودن است.^۳ در ویراست ۱۹۶۴ کتاب کوربین،^۴ پس از عبارت مذکور، این جمله آمده است: «کاربرد این اصطلاح باید متوقف شود» اما در ویراست ۲۰۱۰ کتاب مذکور، این جمله حذف شده است (See, also: Turner, 2001: 655). کوربین یکی از مشاورین ویراست دوم شرح دوباره حقوق (قراردادها) بود و تنظیم‌کنندگان این سند به توصیه وی در مورد کنار گذاشتن تعبیر خسارت تبعی عمل کردند؛ از این رو، در ماده ۳۵۱ سند مذکور به جای تبعی بودن از تعبیر قابلیت پیش‌بینی استفاده کردند (Turner, 2001: 664).

فرهنگ آمریکایی بلک خسارت تبعی را مترادف با خسارت غیرمستقیم دانسته و در تعریف خسارت تبعی آورده است: زیان‌هایی که مستقیماً و بی‌واسطه از عمل زیانبار ناشی نمی‌شوند، بلکه نتیجه غیرمستقیم آن عمل

1. "within the contemplation of the parties"

2. consequence

3. Perillo, 2005: § 55.6

4. Perillo, 2005: § 1011, at 87 (1964)

هستند.^۱ یکی از حقوق دانان نیز با اشاره به خسارت تبعی خریدار در بند ۲ ماده ۷۱۵-۲ قانون متحدالشکل تجاری آمریکا، تعریفی مشابه را برای خسارت تبعی ذکر کرده و گفته است: خسارت تبعی مستقیماً از عمل ناشی نمی‌شود، بلکه از آثار یا نتایج آن عمل ناشی می‌شود (Frey, 2000: 524).

به نظر یکی از حقوق دانان: زیان‌هایی تبعی تلقی می‌شوند که مختص به خواهان باشند به این معنا که مقدرشان با توجه به وضعیت یا اوضاع و احوال خواهان تعیین می‌شود. برای عینی‌تر شدن این تعریف مثال‌هایی ذکر شده است. فرض کنیم فروشنده توافق می‌کند که مواد خام به قیمت ۱۰ هزار دلار بفروشد، اما از تسلیم امتناع می‌کند و قیمت آن در هنگام تسلیم ۱۲ هزار دلار است. در مثالی دیگر، فرض کنیم متصدی حملی که توسط خریدار برای حمل مواد مذکور (که ۱۲ هزار دلار ارزش دارند) اجیر شده است، از روی تقصیر آن‌ها را تلف می‌کند. خسارت خریدار علیه فروشنده در مثال اول، ۲ هزار دلار و علیه متصدی حمل در مثال دوم، ۱۲ هزار دلار است. این دو خسارت مستقیم هستند و مشکلی در مورد قابلیت جبران آن‌ها وجود ندارد. میزان این دو خسارت با توجه به ارزش بازاری کالا و بدون توجه به ارزش چیزی که خریدار از آن محروم شده تعیین می‌شود. به تعبیر دیگر، صرف‌نظر از اینکه خریدار چه کسی است و چه وضعیتی دارد، دو مبلغ مذکور ثابت و یکسان است. حال فرض کنیم دو زیان دیگر نیز به خریدار وارد شده است: اول، در نتیجه عدم تسلیم مواد خام توسط فروشنده، خریدار از سود ۵ هزار دلاری متعارف، قابل پیش‌بینی و غیرگزافی که می‌توانست از فرآوری یا بافروش آن‌ها کسب کند محروم شود؛ دوم، وی از دریافت سفارش‌هایی به ارزش ۸ هزار دلار از اشخاص ثالثی که اکنون به زنجیره تأمین مواد وی بی‌اعتماد شده‌اند محروم شود. زیان دوم (۸ هزار دلار) خسارت تبعی است. زیان اول (۵ هزار دلار) حتی اگر فروشنده از وضعیت خریدار مطلع نباشد، قابل جبران است؛ اما در بادی امر تعیین نوع آن دشوار است: از برخی جهات خسارت مستقیم نامیده شده، اما از برخی جهات دیگر (مثلاً بیمه) خسارت تبعی نیز شناخته می‌شود (Tettenborn, 2008: 179-180).

همچنین، به گفته یک حقوق‌دان آمریکایی، اصطلاح خسارت تبعی معمولاً در ساده‌ترین معنا بر خسارتی اطلاق می‌شود که به‌عنوان نتیجه نقض به وجود می‌آید، اما انسان متعارفی در وضعیت طرف ناقض نمی‌توانسته آن را در زمان انعقاد قرارداد پیش‌بینی کند. خسارت تبعی در این معنای ساده قابل جبران نیست، اما اگر اوضاع و احوال خاص منجر به خسارت به اطلاع طرف ناقض رسیده باشد یا اگر طرف ناقض به طریق دیگری از

1. Garner, 2009, p. 445: consequential damages. Losses that do not flow directly and immediately from an injurious act but that result indirectly from the act. - Also termed indirect damages.

آن‌ها مطلع شده باشد، ممکن است قابل جبران شوند. وی این‌گونه خسارت تبعی را که به اطلاع طرف ناقض رسیده است «خسارت تبعی اعلام شده»^۱ می‌نامد. همچنین، وی واژه تبعی را مترادف با واژه‌های غیرقابل پیش‌بینی، غیرمستقیم، خاص و بعید و متضاد با واژه‌های عام، طبیعی، معمولی و امثال آن به کار می‌برد و تذکر می‌دهد که بسیاری از این اصطلاحات هم‌پوشانی دارند و کاربرد آن‌ها بدون دلیل پیچیده شده است. با توجه به این نکات، وی متذکر می‌شود که تعجب‌آور نیست که پروفیسور کوربین ترجیح می‌دهد که برای بیان قواعد صرفاً از تعبیر قابلیت پیش‌بینی استفاده شود و کاربرد اصطلاح خسارت تبعی متوقف شود (Turner, 2001: 666).

۲-۱. در اسناد آمریکایی

بدیهی است که بررسی قوانین و مقررات مربوط به قراردادها در هر یک از ایالت‌های آمریکا از حوصله این تحقیق خارج است. در اینجا تنها به دو سند مربوط به حقوق قراردادها که اختصاص به ایالت خاصی ندارد، پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱. قانون متحدالشکل تجاری

اصطلاح «خسارت تبعی» در مواد متعددی از قانون متحدالشکل تجاری (یوسی‌سی)^۲ به کار رفته، اما در این سند تعریفی از آن ارائه نشده است. از این گذشته، در مورد قابلیت جبران آن نیز اختلافاتی بین مواد دیده می‌شود. به‌عنوان نمونه، طبق بند ۱ ماده ۱۱۰۶-۴۴۰ خسارت تبعی قابل جبران نیست، اما طبق بند ۲ ماده ۲۹۷۰-۴۴۰ و بند ۲ ماده ۲۷۱۵-۴۴۰ قابل جبران است. از این رو، چنان که گفتیم، یکی از حقوق‌دانان آمریکایی که به بررسی مفهوم خسارت تبعی در این سند پرداخته، ناچار شده است که در مقابل اصطلاح متداول خسارت تبعی، اصطلاح «خسارت تبعی اعلام‌شده»^۳ را جعل کند و مقررات این سند را در قالب معنای متداول یا ساده خسارت تبعی (که به دلیل عدم قابلیت پیش‌بینی قابل جبران نیست) و خسارت تبعی اعلام شده (که به دلیل اطلاع خواننده از اوضاع و احوال خاص خواهان پیش‌بینی شده است)، بررسی نماید. به نظر وی خسارت تبعی در بند ۱ ماده ۱۱۰۶-۴۴۰ در معنای اول و در بند ۲ ماده ۲۹۷۰-۴۴۰ و بند ۲ ماده ۲۷۱۵-۴۴۰ در معنای دوم به کار رفته است. بند

1. Advised Consequential Damages
2. Uniform Commercial Code (UCC) (2013)
3. Advised Consequential Damages

۲ ماده ۳۴۱۱-۴۴۰ و ۴۹۰۴-۴۴۰ نیز به طرف زیان دیده اجازه می‌دهند که خسارت تبعی را تنها پس از وصول اخطار^۱ راجع به اوضاع و احوالی که ممکن است به خسارت منجر شود، دریافت کند. لذا اصطلاح خسارت تبعی در این مواد نیز شامل خسارت تبعی اعلام شده می‌شود. در ادامه به بررسی خسارت تبعی در سه مقرر یوسی سی پرداخته می‌شود.

طبق بند ۱ ماده ۱۱۰۶-۴۴۰ یوسی سی، خسارت تبعی یا خاص تنها در صورتی قابل جبران است که در یوسی سی یا دیگر قواعد حقوقی به صراحت مقرر شده باشد. بنابراین، می‌توان گفت که طبق این مقرر، اصل بر غیرقابل جبران بودن خسارت تبعی است. مقصود از خسارت تبعی در این ماده معنای ساده آن یعنی خسارتی است که هر شخصی در موقعیت طرف ناقض دلیل قانع کننده‌ای برای پیش‌بینی آن در زمان قرارداد نداشته است. ماده ۲۷۱۵-۴۴۰ به حقوق و تعهدات فروشندگان و خریداران و ماده ۲۹۷۰-۴۴۰ به حقوق و تعهدات موجرین و مستأجرین اشیاء منقول می‌پردازند. بند ۲ ماده ۲۷۱۵-۴۴۰ در مورد خسارت تبعی خریدار می‌گوید: خسارت‌های تبعی ناشی از نقض فروشنده عبارت‌اند از: الف. هرگونه زیان ناشی از ضرورت‌ها و نیازهای عام یا خاص خریدار که فروشنده هنگام انعقاد قرارداد از آن‌ها اطلاع داشته و با معامله جایگزین یا به طریقی دیگر قابل جبران نیستند؛ و ب. صدمه جسمی یا مالی که به‌طور مستقیم ناشی از تعهد^۲ باشد.

مقصود از خسارت تبعی مذکور در دو ماده ۲۹۷۰-۴۴۰ و بند ۲ ماده ۲۷۱۵-۴۴۰، خسارت تبعی مذکور در بند ۱ ماده ۱۱۰۶-۴۴۰ نیست. به نظر می‌رسد منظور از آن خسارتی است که معمولاً قابل پیش‌بینی نیست، اما به دلیل اطلاع طرف ناقض از اوضاع و احوال خاص منجر به خسارت در زمان انعقاد قرارداد، قابل پیش‌بینی شده است و از این رو، خسارت تبعی در این دو ماده، برخلاف بند ۱ ماده ۱۱۰۶-۴۴۰ قابل مطالبه‌اند. این اوضاع و احوال خاص را ماده ۲۷۱۵-۴۴۰ و ۲۹۷۰-۴۴۰ «ضرورت‌ها و نیازها»^۳ نامیده است. به‌عنوان مثال، خسارت تبعی خریدار در نتیجه نقض فروشنده شامل هر زیانی است که از ضرورت‌ها و نیازهای خاص یا عامی که فروشنده در زمان انعقاد قرارداد دلیل معقولی برای اطلاع از آن‌ها داشته است ناشی می‌شود. همچنین، خسارت تبعی مستأجر در نتیجه نقض موجر شامل هر زیانی است که از ضرورت‌ها و نیازهای خاص یا عامی که موجر در

1. notice

2. warranty

3. requirements and needs

زمان انعقاد قرارداد دلیل معقولی برای اطلاع از آن‌ها داشته است، ناشی می‌شود. البته فروشنده یا موجر معمولاً دلیل معقولی برای اطلاع از ضرورت‌ها و نیازهای عام خریدار یا مستأجر در اختیار دارد. از مطالب بالا روشن شد که تعبیر خسارت تبعی در یوسی‌سی دارای ابهام است. ابهام اصلی مربوط به قابلیت مطالبه خسارت بعید و غیرقابل پیش‌بینی در مواردی است که طرف ناقض در زمان انعقاد قرارداد از اوضاع و احوال منتهی به خسارت مطلع بوده است. خسارت تبعی در مواد ۲۷۱۵-۴۴۰ و ۲۹۷۰-۴۴۰ در معنای خسارت قابل پیش‌بینی به کار رفته است. در بخش‌های دیگر یوسی‌سی و در سرتاسر حقوق قراردادها، این تعبیر معمولاً به معنای خسارت غیرقابل پیش‌بینی به کار می‌رود. اما علی‌رغم تعارض واژه‌ها، تعبیر خسارت در مواد ۲۷۱۵-۴۴۰ و ۲۹۷۰-۴۴۰ کاملاً با قاعده دعوی هدلی و نیز با مقررات راجع به خسارت تبعی در دیگر مواد یوسی‌سی سازگار است. تفاوت در خود این تعابیر نهفته است نه در نتایج آن‌ها.

۱-۲-۲. «بازنگری دوم اصول حقوق قراردادها»^۱

ماده ۳۵۱ «بازنگری دوم اصول حقوق قراردادها» می‌گوید:

۱. در مورد زیانی که طرف ناقض در زمان انعقاد قرارداد آن را به‌عنوان نتیجه احتمالی نقض پیش‌بینی نکرده، خسارت قابل پرداخت نیست؛
۲. زیانی که الف. در سیر طبیعی امور؛ یا ب. در نتیجه اوضاع و احوالی، خارج از سیر طبیعی امور که طرف ناقض از آن‌ها اطلاع داشته است حادث شده، ممکن است به‌عنوان نتیجه احتمالی نقض، پیش‌بینی شده باشد. در شرح مقرر فوق نیز چنین آمده است: اگر زیانی که در عمل واقع شده، قابل پیش‌بینی نبوده، صرف این واقعیت که یک نوع زیان کلی یا حتی مصداقی از آن قابل پیش‌بینی بوده، کفایت نمی‌کند. اما کافی است که زیان به‌عنوان نتیجه احتمالی، نه ضروری، نقض قابل پیش‌بینی بوده باشد. از این گذشته، برای اینکه طرف ناقض مسئول باشد، لازم نیست که رضایت ضمنی داده باشد. همچنین، لازم نیست که وی هنگام انعقاد قرارداد زیان را در ذهن داشته باشد، چراکه معیار مسئولیت، نوعی و مبتنی بر چیزی است که وی دلیلی برای پیش‌بینی آن داشته است. همچنین، در شرح مذکور در مورد واژه‌شناسی و خصوصاً در مورد تعبیر خسارت تبعی آمده است: خسارت قابل جبران در مورد زیانی غیر از آنچه در سیر طبیعی امور به وجود می‌آید، خسارت خاص یا تبعی نامیده می‌شود.

1. Restatement (Second) of Contracts (1981)

اما این اصطلاحات اغلب گمراه‌کننده‌اند و ضرورتی ندارد که از جهت قاعده مورد بحث، بین خسارت عام و خاص (یا تبعی) تفکیک شود.

۱-۳. رابطه خسارت تبعی با عدم النفع

شایع‌ترین مصداق خسارت تبعی که در دعاوی نقض قرارداد مطالبه می‌شود، عدم النفع است. اما از یک سو، نه عدم النفع تنها نوع خسارت تبعی است و نه همه موارد عدم النفع، خسارت تبعی محسوب می‌شوند. برخی از اقسام عدم النفع در واقع خسارت مستقیم هستند. به‌عنوان مثال، اگر مالک زمین به ناحق قرارداد ساخت را با پیمانکار فسخ کند، خسارت مستقیمی که معمولاً از این فسخ ناروا ناشی می‌شود، منافی است که لزوماً در قرارداد نهفته است؛ یعنی نفع خالصی که پیمانکار در صورت اجرای قرارداد کسب می‌کرد. همچنین، اگر نقض قرارداد طرف غیر ناقض را به‌طور طبیعی و قابل پیش‌بینی از منافی که در سیر طبیعی کسب‌وکار (و نه به‌موجب شرایط خاص) کسب می‌کرد، محروم کند، چنین عدم‌النفعی نیز ممکن است خسارت مستقیم محسوب شود، نه خسارت تبعی. همان‌طور که اصطلاح خسارت غیر مستقیم و خسارت جانبی مرادف خسارت تبعی نیستند، عدم النفع نیز مترادف خسارت تبعی نیست.

با توجه به نکات فوق، خسارت تبعی صرفاً آن دسته از زیان‌های ناشی از نقض است که در صورت عدم وجود شرایط خاص طرف غیر ناقض (که در اغلب قراردادهای مشابه وجود ندارد) حاصل نمی‌شد. بنابراین، اگر خریدار متحمل زیانی شده که اغلب خریداران در موارد مشابه متحمل می‌شوند، چنین خسارتی مستقیم است نه تبعی. اگر خسارتی که خریدار مطالبه می‌کند در واقع خسارت تبعی باشد، خریدار باید اثبات کند که خسارت تبعی وی مطابق قاعده متعارف بودن در دعاوی هدلی (که در مورد همه دعاوی خسارت قراردادی از جمله خسارت مستقیم قابل اعمال است) قابل مطالبه است. به‌موجب قاعده مذکور، تمام خسارت‌هایی که خریدار از فروشنده مطالبه می‌کند (اعم از مستقیم و تبعی) باید نتیجه طبیعی، احتمالی و عرفاً قابل پیش‌بینی نقض فروشنده باشد. در مورد خسارت تبعی (برخلاف خسارت مستقیم)، خریدار باید اثبات کند که شرایط خاصی که در وقوع خسارت تبعی وی دخیل بوده به اطلاع فروشنده رسیده یا فروشنده به طریق دیگری از آن‌ها مطلع شده است و بنابراین، شرایط مذکور هنگام انعقاد قرارداد در ذهن طرفین قرار داشته است (West and Duran, 2008: 792-794).

یک رأی آمریکایی نیز پس از ذکر این نکته که خسارت ممکن است در یک جا تبعی محسوب شود و در جای دیگر محسوب نشود، می‌گوید: عدم‌النفعی که طرفین به‌عنوان نتیجه احتمالی نقض پیش‌بینی کرده‌اند، بیشتر خسارت مستقیم به نظر می‌رسد تا خسارت تبعی.^۱

۱-۴. معیار ارزیابی خسارت تبعی

تعیین معیاری برای ارزیابی خسارت تبعی در بادی امر ممکن است از جنبه ایجابی آن و امکان مسئول شمردن طرف ناقض مهم تلقی شود، اما برخلاف این تصور ابتدایی، جنبه سلبی این مطلب نیز دارای اهمیت است: تعیین معیار می‌تواند مانع تحمیل مسئولیت غیر منصفانه بر طرف ناقض گردد. در واقع، همان‌طور که حقوق‌دانان متذکر شده‌اند، هر چند توسعه هر چه بیشتر حمایت از طرف زیان‌دیده دلگرم‌کننده است، تحدید مسئولیت طرف ناقض نیز ممکن است در برخی موارد مطلوب باشد (Murphey, 1989: n. VII, (g), (1)). همچنین به گفته حقوق‌دانی دیگر، الزام طرف ناقض به جبران تمام خساراتی که در نتیجه نقض وی به وجود آمده‌اند، عاقلانه نیست (Fuller & R. Perdue, 1936: 84). شاید مهم‌ترین عامل در تعیین اینکه آیا تحمیل مسئولیت بر طرف ناقض سخت‌گیرانه^۲ است یا نه، عبارت باشد از: رابطه بین خسارت تبعی مطالبه شده و مبلغی که خواهان به طرف ناقض پرداخت است و دادگاه‌ها ممکن است به عدم تناسب بین این دو مبلغ توجه کنند. ترایتل، حقوق‌دان انگلیسی، بر همین اساس بین دو دعوی هدلی و هرون^۳ تقابل ایجاد می‌کند. منافع فوت شده در دعوی هدلی ۲۰ برابر مبلغی بود که متصدی حمل دریافت کرده بود و دادگاه آن را بسیار بعید تلقی کرد، اما در دعوی هرون ۲، منافع فوت شده نصف مبلغی بود که متصدی حمل دریافت کرده بود و دادگاه آن را قابل جبران دانست (Treitel, 1988: 178). وی در جای دیگری نیز تصریح می‌کند که اگر مبلغی که به موجب قرارداد به طرف ناقض پرداخت شده در مقایسه با ضرر طرف زیان‌دیده ناچیز باشد، تمایل چندانی به تحمیل خسارتی سنگین بر طرف ناقض وجود ندارد (Treitel, 1988: 143). به هر حال، معیارهای ارزیابی خسارت تبعی به شرح زیر است.

1. DaimlerChrysler Motors Co, LLC v. Manuel, 2012 Tex. App. LEXIS 1489 (2012)

2. harsh

۳. در این دعوا (C Czarnikow Ltd v Koufos or The Heron II [1969] 1 AC 350) خواننده، کشتی هرون ۲ را برای حمل ۳ هزار تن شکر به بصره از خواهان اجاره کرد. کشتی ۹ روز تأخیر کرد و در این فاصله قیمت شکر کاهش یافت. خواننده ما به التفاوت قیمت را به عنوان منافع فوت‌شده مطالبه کرد. خواهان می‌دانست که بازار شکر وجود دارد اما نمی‌دانست که خواننده قصد داشته که شکر را فوراً بفروشد. مجلس اعیان رأی داد که زیان بسیار بعید نیست.

۱-۴-۱. قابلیت پیش‌بینی

اولین معیار برای ارزیابی خسارت تبعی معیاری است که در دعوی قدیمی هدلی علیه بکسندل به کار رفته است. در این دعوا دادگاه رأی داد که خسارت تنها در صورتی قابل جبران است که در ذهن طرفین قرارداد وجود داشته است و بالعکس، خسارتی که در ذهن طرفین قرار نداشته قابل جبران نیست. پروفیسور مک‌کورمیک قاعده دعوی هدلی را این‌گونه تلخیص کرده است: دعوی هدلی این قاعده را مقرر می‌کند که خسارت ناشی از نقض قرارداد تنها در مورد زیان‌هایی قابل مطالبه است که طرفین هنگام انعقاد قرارداد به‌طور متعارفی آن‌ها را پیش‌بینی کرده‌اند. به تعبیر دیگر، این زیان‌ها یا باید از نوعی باشند که معمولاً از قراردادهایی مشابه ناشی می‌شوند یا اگر نامتعارف هستند، اوضاع و احوالی که خطر خاص را ایجاد کرده‌اند باید قبل از معامله به اطلاع طرف ناقض رسیده باشند.^۱ در واقع اهمیت این قاعده در این جنبه سلبی آن است نه در جنبه اثباتی آن. توضیح اینکه قبل از این دعوا قاعده این بود که مسئولیت نامحدود قابل اسناد است. اهمیت این دعوا در این است که مقرر داشت اگر خسارت هنگام انعقاد قرارداد در ذهن طرفین قرار نداشته، مسئولیت قابل استناد نیست.^۲ از این رو، دعوی مذکور معیار عام قابلیت پیش‌بینی در زمان معامله را مقرر کرد که به موجب آن، قضات می‌توانند هیئت منصفه را از پذیرش دعاوی که بر خواننده زیان‌هایی را تحمیل می‌کند که قضات آن‌ها را غیر منصفانه یا نامناسب می‌دانند منع کنند. در مورد اینکه دادگاه در دعوی هدلی از ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی فرانسه تأثیر پذیرفته یا نه، دو نظر دیده می‌شود. تریتل، حقوق‌دان انگلیسی، می‌گوید: برخی معتقدند که شرط قابلیت پیش‌بینی از حقوق فرانسه به کامن‌لا وارد شده است. این عقیده ممکن است درست باشد، اما کامن‌لا از منابع دیگری غیر از ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی فرانسه نیز تأثیر پذیرفته است (Treitel, 1988: 151) و صرف‌نظر از اینکه مفهوم قابلیت پیش‌بینی از طریق دعوی هدلی از فرانسه به کامن‌لا راه یافته باشد یا نه، تحولات بعدی مفهوم کامن‌لایی قابلیت پیش‌بینی به‌عنوان معیاری برای دور بودن خسارت، دین زیادی به مفهوم فرانسوی قابلیت پیش‌بینی ندارد، بلکه بیشتر مدیون مفهوم قابلیت پیش‌بینی در حقوق مسئولیت مدنی (tort) کامن‌لا است که در آن، شرط قابلیت پیش‌بینی در حقوق فرانسه اعمال نمی‌شود (Treitel, 1988:152).

1. C. McCormick, Damages, 1935: 562, cited by: Stone, 1980: 489-490

۲. تریتل، حقوق‌دان معروف انگلیسی، نیز در بحث از شیوه‌های تحدید خسارت قراردادی و شمارش قابلیت پیش‌بینی به‌عنوان یکی از این شیوه‌ها تصریح می‌کند که این شیوه از طریق دعوی هدلی وارد کامن‌لا شد. Treitel, 1988: 150

به گفته کوربین، معیار قابلیت پیش‌بینی در دعاوی پیش از دعاوی هدلی اعمال نشده بود، هر چند که گهگاه به آگاهی خواننده از اقدامات مورد نظر خواهان اشاره شده بود. در نظام‌های حقوقی دیگر، محدودیتی مشابه با معیار قابلیت پیش‌بینی وجود دارد. ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد که متعهد تنها در صورتی ملزم به پرداخت خسارت است که زیان هنگام انعقاد قرارداد پیش‌بینی شده یا قابل پیش‌بینی بوده باشد، منوط به اینکه عدم اجرای تعهد توأم با تقصیر نباشد. در دعاوی هدلی این مقرر ترجمه شد و در ادله مورد استفاده قرار گرفت و دادگاه تحت تأثیر آن، قاعده‌ای را وضع کرد که در حقوق انگلستان و آمریکا چنین کاربرد گسترده‌ای یافت. ماده ۳۵۱ «بازنگری دوم اصول حقوق قراردادها» معیار دعاوی هدلی را پذیرفت. کوربین معتقد است که قابلیت پیش‌بینی علی‌رغم اینکه به‌عنوان یک معیار کاستی‌هایی دارد، تنها معیار ماهوی راجع به دو شرط حقوقی بعید بودن خسارت و سببیت نزدیک است (Perillo, 2005: § 56.2). قسمت الف بند ۲ ماده ۲۷۱۵-۴۴۰ قانون متحدالشکل تجاری نیز برای تحدید خسارت تبعی خریدار از معیار قابلیت پیش‌بینی استفاده کرده است (Trietel, 1988, p. 159).

۱-۴-۲. توافق ضمنی

معیار دیگری که در دعاوی پس از هدلی پذیرفته شد، معیار توافق ضمنی^۱ است. بر اساس این معیار، خسارت تبعی نه‌تنها باید در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی باشد، بلکه باید اثبات شود که خواننده صریحاً یا ضمناً مسئولیت خسارت تبعی را پذیرفته است. دعاوی اصلی آمریکایی در این مورد دعاوی شرکت گلوبال ریفاینینگ^۲ است که در سال ۱۹۰۳ مطرح شد. در این دعوا، خریدار اهل کنتاکی که روغن دانه کتان خریداری کرده بود، دعوایی علیه فروشنده تگزاسی در مورد عدم تسلیم کالای مورد توافق مطرح کرد. فروشنده بر اساس قرارداد ملزم بود که روغن را به واگن‌های راه‌آهن خریدار در تگزاس تحویل دهد. خریدار ادعا کرد که فروشنده می‌دانسته که خریدار باید واگن‌های خود را برای تحویل گرفتن روغن از کنتاکی به تگزاس بفرستد و بنابراین، خسارت تبعی مربوط به هزینه هدر رفته ارسال واگن‌ها را مطالبه کرد. دادگاه بدوی حکم کرد که خسارت تبعی قابل مطالبه نیست و دیوان عالی ایالات متحده این حکم را تأیید کرد. معیار توافق ضمنی هرگز مورد قبول دادگاه‌ها قرار نگرفت (Stone, 1980: 491-492).

1. Tacit agreement

2. Globe Refining Co. v. Landa Cotton Oil Co, 190 U. S. 540 (1903)

برخی از دعاوی انگلیسی بعد از دعوی هدلی نیز قاعده مضیق‌تری از قاعده مذکور در دعوی هدلی را اعمال کردند.^۱ بر اساس این دعاوی، صرف اطلاع [خواننده] از اوضاع و احوال خاص [خواهان] مبنای کافی برای تحمیل مسئولیت در مورد خسارات تبعی نیست، بلکه قصد راجع به پذیرش خطر خسارت تبعی قابل پیش‌بینی باید به‌طور صریح یا ضمنی اظهار شده باشد. این معیار که معیار توافق ضمنی نامیده می‌شود، توسط یکی از قضات دیوان عالی آمریکا به‌عنوان یک قاعده عمومی پذیرفته شد،^۲ اما در بین دادگاه‌های ایالتی طرفدار زیادی نیافت. این تعدیل قاعده دعوی هدلی در انگلستان نیز مورد حمایت قرار نگرفت و قانون متحدالشکل تجاری (یوسی‌سی، ماده ۳۵۱) و «بازنگری دوم اصول حقوق قراردادها» (ماده ۲۷۱۵-۴۴۰) هم از پذیرش آن امتناع کردند. معیار توافق ضمنی مبتنی بر این فرض غیرقابل اعتماد است که خسارت ناشی از نقض قرارداد مبتنی بر تعهد صریح یا ضمنی طرفین قرارداد به پرداخت خسارت در صورت نقض است و نه مبتنی بر یک تکلیف ثانوی که قانون به‌عنوان نتیجه نقض مقرر می‌کند. دادگاه عالی نیومکزیکو در استیناف از رأی دعوی سانی‌لندز فارمز^۳ معیار توافق ضمنی را به‌عنوان معیاری «گیج‌کننده و منسوخ» رد کرد؛ هرچند که به عقیده دادگاه ممکن است بین «معیار توافق» و «اوضاع و احوال خاصی که برای مسئول شمردن خواننده نسبت به خسارت تبعی ضروری است»، فاصله چندانی نباشد (Perillo, 2005: § 56.3).

۱-۳-۴. قاعده کنونی؛ برگشت به معیار قابلیت پیش‌بینی

چنان‌که گفتیم، دادگاه‌های آمریکا معیار توافق ضمنی را نپذیرفتند. همچنین، «بازنگری دوم اصول حقوق قراردادها» نیز قاعده دعوی هدلی را پذیرفت و اشاره‌ای به معیار توافق ضمنی نکرد و در نتیجه، آن را رد کرد. به‌موجب ماده ۳۳۰ این سند، خسارت تنها برای جبران زیان‌هایی که خواننده هنگام انعقاد قرارداد به‌عنوان نتیجه احتمالی نقض پیش‌بینی کرده پرداخت می‌شود. اگر زیان نتیجه طبیعی نقض باشد، دلیل کافی برای اینکه خواننده آن را پیش‌بینی کرده وجود دارد؛ در غیر این صورت، باید به‌طور خاص اثبات شود که خواننده از وقایع اطلاع داشته و زیان را پیش‌بینی کرده است.

۱. از جمله، دعوی: British Columbia Saw-Mill v. Nettleship, L.R., 3 C.P. 499, 500 (1868)

2. Globe Refining Co. v. Landa Cotton Oil Co, 190 U. S. 540 (1903)

3. Sunnyland Farms v. Cent. N. M. Elec. Coop, Inc, 301 P.3d 387 (N.M. 2013)

در شرح این ماده نیز آمده است که طرف ناقض تنها ملزم به پرداخت خسارت در مورد زیانی است که هنگام انعقاد قرارداد آن را پیش‌بینی کرده است. اما معنای این سخن این نیست که خواننده باید زیان را در نظر داشته یا صریحاً یا ضمناً متعهد به جبران آن شده باشد.

ماده ۲۷۱۵-۴۴۰ قانون متحدالشکل تجاری نیز با پذیرش قاعده‌ای که سابقاً در ماده ۶ قانون بیع‌های متحدالشکل^۱ ۱۹۰۶ اعمال شده بود^۲ و معیار توافق ضمنی را به صراحت رد کرده بود، رویکردی مشابه با «بازنگری دوم اصول حقوق قراردادها» اتخاذ کرد (Stone, 1980: 493-494).

۱-۵. شرایط مطالبه خسارت تبعی

با توجه به آنچه در بند سابق گفته شد، خسارت تبعی تنها در صورتی قابل مطالبه است که در زمان انعقاد قرارداد (و نه در زمان نقض) عرفاً برای خواننده قابل پیش‌بینی بوده است. اما خواهان تنها لازم است اثبات کند که زیان از نوعی بوده که یک انسان متعارف می‌توانسته آن را نتیجه احتمالی نقض محسوب کند. لازم نیست خواهان اثبات کند که خواننده آن زیان خاص را پیش‌بینی کرده است. به تعبیر دیگر، معیار تعیین قابلیت پیش‌بینی، نوعی است نه شخصی. یکی از شایع‌ترین موارد خسارت تبعی، عدم‌النتفع است. برای دریافت عدم‌النتفع، خواهان باید سه نکته را اثبات کند: ۱. مقدار خسارت با درجه متعارفی از قطعیت؛ ۲. اینکه اقدامات نادرست خواننده سبب عدم‌النتفع گردیده است؛ و ۳. اینکه این منافع در هنگام انعقاد قرارداد، به‌طور متعارف در ذهن طرفین قرار داشته است (Rose, 2004: 8). باید متذکر شد که برای قابل جبران بودن خسارت تبعی، پیش‌بینی مقدار آن هنگام انعقاد قرارداد ضروری نیست.^۳

1. Uniform Sales Act

۲. ماده ۶۷ این قانون در باره دعوی خریدار در مورد عدم تسلیم کالا مقرر می‌دارد: ۱. در صورتی که مالکیت مبیع به خریدار منتقل نشده باشد و فروشنده به‌ناحق از تسلیم مبیع امتناع کند، خریدار می‌تواند علیه فروشنده دعوی خسارت عدم تسلیم اقامه کند؛ ۲. میزان خسارت، زیانی است که مستقیماً و به‌طور طبیعی از نقض فروشنده ناشی شده باشد؛ ۳. در صورتی که بازار آماده‌ای برای کالای مورد بحث وجود داشته باشد و اوضاع و احوال خاصی که مقدار بیشتری از خسارت را اثبات کند وجود نداشته باشد، میزان خسارت عبارت است از ما به التفاوت بین ثمن قراردادی و ثمن بازاری یا رایج کالا در زمانی که کالا باید تسلیم می‌شد، یا اگر زمانی تعیین نشده باشد، در زمان امتناع از تسلیم.

3. Ziegler & Morris, 2025, Ch. 14: The exact amount of a loss need not be foreseeable. Lord Hoffmann in *Transfield Shipping v Mercator Shipping (The Achilles)* (2008), see: Elliott & Quinn, 2011, p.341: "Lord Hoffmann focused on the issue of assumption of responsibility at the time the contract was made. He said it was accepted that the foreseeability of the amount of loss was irrelevant".

۲. خسارت تبعی در حقوق ایران

واژه «خسارت تبعی» در قوانین کشورمان به کار نرفته و تعریفی از آن ارائه نگردیده است و از این رو، نمی‌توان آن را، به تعبیر اصول فقهی، «حقیقت قانونی» دانست. چنان‌که ملاحظه شد، این اصطلاح حتی در حقوق آمریکا نیز مبهم تلقی شده است. ابهام در مفهوم کامن‌لایی خسارت تبعی به ادبیات حقوقی کشورمان نیز راه یافته است: برخی از نویسندگان با انتقاد از پژوهشگری که خسارت تبعی در قرارداد بیع بین‌المللی را معادل خسارت فرعی تلقی کرده، اظهار داشته‌اند که تفاوت دو مفهوم خسارات تبعی و فرعی چندان حاصلی نداشته و بهتر است خسارات فرعی، جزئی از خسارات تبعی تلقی شوند (بادینی، ۱۳۹۶: ۱۰۷). همین نویسندگان معتقدند که عدم النفع در حقوق ایران تحت شمول خسارات تبعی قرار می‌گیرد (بادینی، ۱۳۹۶: ۱۰۷-۱۰۸). همچنین، برخی از حقوق‌دانان کشورمان در مقابل خسارت تبعی و فرعی، اصطلاح «خسارت اصلی»^۱ را به کار برده‌اند (رنجبر، ۱۳۸۷: ۴۷-۴۰-۳۹). همچنین، نک: بادینی، ۱۳۹۶: ۱۰۱). اما در هیچ‌یک از متون انگلیسی مورد مراجعه در این تحقیق، چنین تقابلی ملاحظه نگردید. از این گذشته، از لحاظ واژه‌شناختی نیز در زبان انگلیسی بین دو واژه consequential (تبعی) و essential (اصلی) تقابلی دیده نمی‌شود.

با توجه به نکات مذکور، برای بررسی این نوع خسارت در حقوق کشورمان، شیوه مناسب این است که پس از تعیین معنای این اصطلاح در حقوق آمریکا، از راه مفاهیم معادل و شرایطی که در حقوق ما برای جبران خسارت بیان شده است وارد شد. چنان‌که ملاحظه شد، در حقوق آمریکا خسارت طبق یک تقسیم‌بندی به خسارت عام و خاص تقسیم می‌شود. خسارت عام خسارتی است به‌طور طبیعی و در روند طبیعی امور از نقض ناشی می‌شود. به‌عنوان نمونه، اگر فروشنده در تسلیم مبیع تأخیر کند و خریدار مجبور شود که کالا را با قیمتی بیشتر تهیه کند، مبلغ اضافی ضرری است که در هر قرارداد بیعی که فروشنده مبیع را دیر تسلیم می‌کند به خریدار وارد می‌شود و به وضع خاص خریدار در این مورد توجه ندارد. در مقابل، خسارت خاص یا تبعی خسارتی است که به وضعیت خاص زیان‌دیده وابسته است و جنبه عمومی ندارد. به‌عنوان نمونه، اینکه تأخیر در تسلیم مبیع موجب تعطیلی کارخانه خریدار شود، خسارتی عام نیست؛ چراکه در بسیاری از موارد، خریداران ممکن است حتی با وجود نقض فروشنده کالای مورد نیاز برای ادامه کار کارخانه را داشته باشند. از لحاظ حکمی، خسارت‌های عام قابل جبران هستند و پیش‌بینی یا عدم پیش‌بینی متعهد نسبت به این‌گونه خسارات تأثیری ندارد. در مقابل، خسارت‌های خاص

1. essential

یا تبعی در صورتی قابل مطالبه‌اند که متعهد هنگام انعقاد قرارداد آن‌ها را پیش‌بینی کرده باشد. از این رو، تقسیم خسارت به عام و تبعی در حقوق آمریکا به عنصر قابلیت پیش‌بینی مرتبط است نه به بحث سببیت. از این رو، یکی از حقوق‌دانان تصریح می‌کند که «حتی در مواردی که معلوم شود که زیان وارد به خواهان نتیجه نقض خوانده بوده، اگر معلوم شود که خسارت بسیار بعید بوده، تمام یا بخشی از زیان قابل مطالبه نیست» (Treitel, 2015: 1807, no. 20-098)¹.

بنابراین، مفهوم خسارت تبعی در حقوق کشورمان را باید با توجه شرط قابلیت پیش‌بینی بررسی کرد. البته با توجه به اینکه در مورد شرط قابل پیش‌بینی در ادبیات حقوقی کشورمان آثار متعددی ملاحظه می‌شود، مانند (حبیبی، ۱۳۹۱؛ اسماعیلی و نصیری، ۱۴۰۱؛ جعفری بهزادکلانی و ابهری، ۱۳۹۷)، این بررسی تا حدی است که برای فهم و مقایسه با مفهوم و عناصر خسارت تبعی در حقوق آمریکا لازم است. در حقوق کشورمان برای خسارت قابل جبران چند شرط بیان شده است: رابطه سببیت بین نقض تعهد و ورود خسارت، قطعیت خسارت، قابلیت پیش‌بینی و مستقیم بودن خسارت (شهیدی، ۱۳۸۳: ۷۴-۸۳؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۱۱۲-۱۱۰؛ گندم‌کار و میرزائی ارجنکی، ۱۴۰۳).

برخی از حقوق‌دانان بدون تفکیک بین انواع خسارات، قابلیت پیش‌بینی را یک شرط عمومی برای همه خسارات تلقی کرده‌اند (شهیدی، ۱۳۸۳: ۷۹؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۱۱۰). اما برخی دیگر بین زیان‌های طبیعی و عادی و زیان‌های استثنائی و نامتعارفی که وابسته به وضع متعهدله هستند تفکیک کرده‌اند. به نظر ایشان، در لزوم جبران زیان‌های نوع اول تردیدی وجود ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۰) و «متعهد مسئول خساراتی است که بر حسب سیر متعارف امور، به‌طور طبیعی از عهدشکنی حاصل می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۶). اما در مورد زیان‌های خاص و استثنائی باید بین علم و جهل متعهد به امکان ورود زیان تفکیک کرد: متعهد در صورتی مسئول جبران زیان‌های استثنائی و ناشی از وضع خاص خریدار است که متعهدله وی را از وضع ویژه خود آگاه کرده باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۶-۲۵۷). به تعبیر دیگر، در مورد زیان‌های عام و طبیعی نیازی به اثبات پیش‌بینی متعهد نیست و شرط قابلیت پیش‌بینی فقط در مورد زیان‌های خاص و استثنائی معتبر است. در این قاعده که «زیان‌های دور از انتظار و پیش‌بینی دو طرف که به اسباب نامتعارف و ویژه دعوی بستگی دارد، در قلمرو

1. Even in cases where a loss is found to have been caused to the claimant as a consequence of the defendant's breach, some or all of that loss will not be recovered as damages if it is found to be too remote. See also: Elliott & Quinn, 2011: 337

مسئولیت قراردادی قرار نمی‌گیرد» تردید نباید کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۷). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود و با توجه به ارجاع این مطالب به کتب و دعاوی کامن‌لایی از جمله دعاوی هدلی (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۷، پاورقی ۱)، اقتباس این نظر از مباحث کامن‌لایی مشهود است. در واقع، بسیاری از حقوق‌دانان کشورمان در بحث از قابلیت پیش‌بینی، قاعده مذکور در دعاوی هدلی و آثار کامن‌لایی را بازگویی کرده یا به آن‌ها ارجاع داده‌اند (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۲۸۹؛ بابایی، ۱۳۹۶: ۵۴-۵۵؛ غمامی: ۲۸-۳۲).

به نظر می‌رسد در این بحث، حق با کسانی است که بین زیان عام و خاص تفکیک می‌کنند و قابلیت پیش‌بینی را فقط در مورد دسته دوم شرط می‌دانند. توضیح اینکه زیان‌های عام نتیجه طبیعی نقض است و طبق تعریف، همین که نقض واقع شود، این زیان به متعهدله وارد می‌شود. بنابراین، لازم نیست متعهد آن را شخصاً پیش‌بینی کرده باشد. بالعکس، در مورد زیان‌های خاص، فرض این است که این نوع زیان عمومیت ندارد و با توجه به وضع اشخاص در معاملات گوناگون متفاوت است. مسئولیت متعهد در مورد این نوع زیان‌ها در صورتی ثابت می‌شود که متعهدله وضع ویژه خود را به اطلاع متعهد رسانده باشد. تنها در این صورت است که می‌توان گفت متعهد، مسئولیت جبران خسارت خاص را پذیرفته است. از این رو، صرف پیش‌بینی متعهد از وضع خاص متعهدله نیز نمی‌تواند به معنای پذیرش مسئولیت جبران خسارت مذکور باشد.

با توجه به نکات فوق، انواع زیان از لحاظ مسئولیت متعهد به جبران آن را می‌توان ابتدا به زیان مستقیم و زیان غیرمستقیم و سپس زیان مستقیم را به دو قسم قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی تقسیم کرد (السنهوری، بی‌تا: ۶۸۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۴۷-۲۵۰). این اقسام را می‌توان با یک مثال توضیح داد. ماجر از تعهد به تعمیر خانه مورد اجاره تخلف می‌کند و مستأجر ناچار به ترک آن و اجاره خانه‌ای دیگر با شرایط مساوی اما اجاره‌بهای بیشتر می‌شود. در اثناء حمل وسایل، برخی از آن‌ها آسیب می‌بینند. در منزل جدید میکرووب یک بیماری مُسری وجود دارد و موجب بیماری مستأجر می‌شود. در این مثال، مابه‌التفاوت اجاره‌بهای اول و دوم، زیان مستقیم و قابل پیش‌بینی است. زیان وارد به وسایل، خسارت مستقیم و غیرقابل پیش‌بینی است و بیماری مستأجر زیان غیرمستقیم است. در مورد زیان غیرمستقیم، ماجر مسئولیتی ندارد. ماجر مسئول زیان مستقیم و قابل پیش‌بینی است. اما در مورد زیان مستقیم ولی غیرقابل پیش‌بینی، در برخی از کشورهای تابع نظام حقوقی نوشته مانند فرانسه، متعهد در صورتی مسئول است که زیان عمدی یا ناشی از تقصیر سنگین وی باشد (السنهوری، بی‌تا: ۶۸۴-۶۸۵).

در مورد اینکه در زیان مستقیم و غیرقابل پیش‌بینی، متعهد فقط مسئول است که مرتکب زیان عمدی یا تقصیر سنگین شده باشد، یک توجیه این است که عمد یا تقصیر سنگین متعهد موجب تبدیل مسئولیت وی از قراردادی به قهری می‌شود و در مسئولیت قهری، زیان غیرقابل پیش‌بینی هم باید جبران شود. اما برخی از حقوق‌دانان با رد این نظر و در توجه مسئولیت متعهد در فرض مذکور گفته‌اند: اصل در مسئولیت اعم از قراردادی و قهری، جبران کامل خسارت است و در این مورد تفاوتی بین ضرر پیش‌بینی شده و ضرر پیش‌بینی نشده نیست. اما از آنجاکه مسئولیت قراردادی مبتنی بر قرارداد است، تعیین قلمرو آن با اراده طرفین است و قانون فرض می‌کند که این مسئولیت منحصر به زیانی است که متعهد آن را پیش‌بینی کرده است. این فرض به منزله یک شرط ضمنی است که زیان را به مقدار پیش‌بینی شده محدود می‌کند. اما در صورت عمد یا خطای سنگین، شرط مذکور باطل است و متعهد مسئول هر خسارتی اعم از پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده است (السنهوری، بی تا: ۶۸۵-۶۸۶).

۱-۲. استقلال یا عدم استقلال شرط قابلیت پیش‌بینی

نکته مهمی که در مورد شرط قابلیت پیش‌بینی باید بررسی شود استقلال یا عدم استقلال این شرط است. به نظر برخی از حقوق‌دانان، قابلیت پیش‌بینی شرط مستقلی نیست، بلکه به رابطه سببیت بازمی‌گردد (رحیمی و صفایی، ۱۳۹۶: ۱۱۳). در توجیه این مدعا آمده است: «از آنجاکه این شرط به رابطه سببیت بازمی‌گردد، می‌توان گفت چنانچه تحقق اصل ضرر برحسب سیر متعارف یا جریان عادی امور، مورد انتظار نباشد، آن ضرر اتفاقی است و رابطه سببیت متعارف با فعل زیانبار ندارد» (اسماعیلی و نصیری، ۱۴۰۱: ۱۰۸). در مقابل، این نظریه وجود دارد که شرط قابلیت پیش‌بینی را نمی‌توان به رابطه سببیت مربوط دانست: «قابلیت پیش‌بینی بیشتر یک ملاک ذهنی است؛ امری است در ذهن متعهد. برعکس، سببیت امری است خارجی و بیرونی. این دو نمی‌توانند شرطی واحد به حساب آیند» (رنجبر، ۱۳۸۷: ۱۰۵). در این مورد باید گفت: قابلیت پیش‌بینی همراه با سببیت، به‌عنوان یکی از عوامل محدودکننده خسارت به شمار آمده است (Elliott & Quinn, 2011: 336; Treitel, 2015, no. 20-93-20-98). اگر قرار باشد که قابلیت پیش‌بینی به عامل سببیت بازگردانده شود، ذکر قابلیت پیش‌بینی به‌عنوان عاملی مستقل از سببیت کاری بیهوده است. بنابراین، در مورد زیان‌های خاص، قابلیت پیش‌بینی را می‌توان شرط مستقلی دانست.

۲-۲. معیار قابلیت جبران خسارت

در مورد خسارت تبعی در حقوق آمریکا معیارهای متعددی مطرح شده و معیار مورد پذیرش دادگاه‌ها قابلیت پیش‌بینی خسارت است. در حقوق کشورمان نمی‌توان صرف پیش‌بینی و اطلاع زیان توسط متعهد را به معنای پذیرش ضمان و مسئولیت به جبران آن دانست. در واقع، همان‌طور که برخی از حقوق‌دانان متذکر شده‌اند، «منشأ مسئولیت متعهد در تخلف از انجام تعهد، قصد او به هنگام قرارداد بر پذیرش انجام تعهد قراردادی و التزام او به انجام تعهد است... توجه متعهد به هنگام انشای قرارداد به حدود تعهد و موضوع آن و خسارتی که در صورت تخلف باید جبران شود، مسئولیت ارادی او را به همان تعهد و همان خسارت تخلف که مورد توجه و اراده او بوده است محدود می‌کند» (شهیدی، ۱۳۸۳: ۷۹-۸۰). همچنین، «قرارداد جهان پیش‌بینی و انتخاب است. هر چه بر سر مدیران می‌آید باید به خواست او مربوط باشد. پس نباید متعهد را به خسارتی محکوم کرد که از دایره ادراک و پیش‌بینی انسانی متعارف بیرون است، مگر اینکه معلوم شود از آن نتیجه نامعهود آگاه بوده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۱). ذیل این سخن را نیز باید با توجه صدر آن تفسیر کرد: آگاهی از خسارت تنها در صورتی به معنای پذیرش ضمان نسبت به آن است که متعهد آن را پذیرفته باشد. طرف معامله ممکن است اهداف و انگیزه‌های متعدد و متنوعی از معامله داشته باشد و نمی‌توان همه آن‌ها را داخل در تراضی دانست. ضمان متعهد نسبت به عدم تحقق این انگیزه‌ها در صورتی است که متعهد مسئولیت خود را صریحاً یا ضمناً پذیرفته باشد. بنابراین، پیش‌بینی و «اطلاع» متعهد در صورتی موجب مسئولیت او است که منشأ آن «اطلاع‌رسانی» متعهدله باشد.

۳-۲. زمان و مقدار خسارت

از آنچه در بالا در مورد معیار قابلیت جبران خسارت گفته شد دو نکته دیگر نیز روشن می‌شود. از آنجاکه معیار لزوم جبران خسارت قصد متعهد و التزام وی به جبران خسارت است، اولاً زمان قابلیت پیش‌بینی خسارت زمان انعقاد عقد است نه زمان اجرای عقد (شهیدی، ۱۳۸۳: ۸۰)؛ ثانیاً خسارت تا حدی قابل جبران است که متعهد در زمان انعقاد عقد آن را پیش‌بینی کرده و بیش از آن قابل جبران نیست (شهیدی، ۱۳۸۳: ۷۹؛ کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۶۱-۲۵۹). این نکته را می‌توان از مقرراتی مانند ماده ۳۷۹ قانون تجارت و ماده ۴ تصویب‌نامه مربوط به انبارهای عمومی مصوب ۱۳۴۰ که در ادامه خواهد آمد استفاده کرد.

۴-۴. کل کرد شرط قابلیت پیش‌بینی

با توجه به نکته بالا، مسئله دیگر که به کارکرد شرط قابلیت پیش‌بینی مربوط می‌شود نیز قابل حل و فصل است: آیا شرط قابلیت پیش‌بینی کارکرد ایجابی دارد یا سلبی یا از هر دو کارکرد برخوردار است؟ در زمینه مسئولیت غیرقراردادی، برخی از نویسندگان نقش این شرط را در محدود کردن خسارات قابل جبران دانسته و آن را در زمره شروط خسارت‌های قابل جبران نیاورده‌اند (حسینی نژاد، ۱۳۷۰: ۷۶-۷۷). در حوزه مسئولیت قراردادی نیز برخی از حقوق‌دانان از قابلیت پیش‌بینی به‌عنوان یکی از راه‌های «محدود ساختن خسارتی که بر عهده مدیون قرار می‌گیرد» بحث کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۴۷). به نظر می‌رسد در مورد زیان‌های خاص، شرط قابلیت پیش‌بینی از یک سو کارکرد سلبی دارد و موجب سلب مسئولیت متعهد نسبت به زیان‌های خاصی می‌شود که وی آن‌ها را پیش‌بینی نکرده است. از سوی دیگر، این‌گونه نیست که هر زیان خاص پیش‌بینی شده‌ای قابل جبران باشد، زیان‌های خاص تنها در صورتی قابل مطالبه‌اند که متعهد ضامن خود را نسبت به آن‌ها پذیرفته باشد.

۵-۲. قابلیت پیش‌بینی در قوانین ایران

در قوانین کشورمان خصوصاً قانون مدنی، مقرر کلی و صریحی در مورد لزوم قابلیت پیش‌بینی دیده نمی‌شود، اما در برخی از عقود معین، مسئولیت متعهد به مقداری که زیان قابل پیش‌بینی بوده محدود شده است. به‌عنوان نمونه، ماده ۶۳۲ در مورد مسئولیت امین مقرر می‌دارد: «کاروان‌سرادار و صاحب مهمانخانه و حمامی و امثال آن‌ها نسبت به اشیا و اسباب یا البسه واردین وقتی مسئول می‌باشند که اشیا و اسباب یا البسه نزد آن‌ها ایداع شده باشد و یا اینکه بر طبق عرف بلد در حکم ایداع باشد». این ماده به‌طور ضمنی صاحبان این مشاغل را از مسئولیت‌های پیش‌بینی نشده و ناخواسته معاف می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۸). ماده ۴ تصویب‌نامه مربوط به انبارهای عمومی مصوب ۱۳۴۰ نیز مقرر می‌دارد: «انبارهای عمومی مسئول حفظ و نگهداری کالاهای سپرده و جبران خسارت وارده به آن میزان ارزش اظهارشده کالا در موقع تودیع می‌باشند...». از این ماده معلوم می‌شود که مسئولیت امین محدود به مقداری است که مالک کالا «اظهار» داشته و در نتیجه، امین آن را پذیرفته است.

در مورد متصدی حمل نیز قانون تجارت مقررات مشابهی دارد. از جمله، ماده ۳۷۹ مقرر می‌دارد: «ارسال کننده باید نکات ذیل را به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند: قیمت اشیائی که گران‌بها است. خسارات ناشی از عدم تعیین نکات فوق و یا از تعیین آن‌ها به غلط متوجه ارسال‌کننده خواهد بود». لزوم تعیین قیمت محموله در

راستای محدود کردن مسئولیت متصدی حمل به مقدار قابل پیش‌بینی است (غمامی، ۱۳۸۸: ۶۰-۶۳). در این ماده نیز ملاک مسئولیت متصدی حمل «اطلاع» رسانی ارسال‌کننده است.

۲-۶. خسارت تبعی و خسارت از خسارت

هرچند که از مطالبه گفته شده معلوم می‌شود که خسارت تبعی با خسارت از خسارت تفاوت دارد. با این حال، توضیحی مختصر در این مورد مناسب است. «خسارت از خسارت» اصطلاحی است که در ماده ۷۱۳ قانون آئین دادرسی ۱۳۱۸ به کار رفته بود و طبق آن، این‌گونه خسارت قابل مطالبه نبود. قانون آئین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ این اصطلاح را به کار نبرده است؛ چراکه با توجه به ماده ۵۲۰ این قانون که خسارت غیرمستقیم را قابل مطالبه ندانسته است، نیازی به مقرر جداگانه در مورد خسارت از خسارت نبوده است. خسارت از خسارت همان‌گونه که از نام آن پیدا است خسارتی غیرمستقیم است و با واسطه است که واسطه تحقق آن خسارت مستقیم ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر در آن است. به‌عنوان نمونه، اگر متعهد به ساخت انبار، در ساخت آن بی‌دقتی کند و در اثر نفوذ آب به داخل انبار، کالای متعهد فاسد شود، فساد کالا خسارت غیرمستقیم است. حال اگر متعهد به دلیل ناتوانی مال ناشی از فساد کالا نتواند ساختمان دیگر خود را که نیازمند تعمیر است، تعمیر کند و ساختمان خراب شود، خرابی ساختمان، خسارت غیرمستقیم ناشی از خسارت عدم انجام تعهد ساخت انبار و خسارت از خسارت است (شهیدی، ۱۳۸۳: ۲۷۰-۲۷۱). خسارت از خسارت ممکن است از لحاظ قابل پیش‌بینی نبودن با خسارت تبعی شباهت داشته باشد، اما تفاوت آن با خسارت تبعی این است که خسارت تبعی نوعی خسارت مستقیم است و دلیل قابل مطالبه نبودن آن مطلع نشدن متعهد از احتمال وجود خسارت است.

نتیجه‌گیری

۱. خسارت تبعی یکی از خسارت‌های پرکاربرد در حقوق آمریکا است که ممکن است در کنار خسارت‌های جبرانی به طرف زیان‌دیده از نقض قرارداد اعطا شود. در واقع همان‌طور که فضای بحث از خسارت تبعی و هم‌نشینی آن با واژه‌هایی مانند خسارت غیرمستقیم، خسارت خاص و خسارت غیرقابل پیش‌بینی از یک سو و تقابل آن با واژه‌های خسارت مستقیم، خسارت عام و خسارت قابل پیش‌بینی نشان می‌دهد، بحث از این نوع خسارت عمدتاً به قابل پیش‌بینی بودن یا نبودن آن و نیز پیدا کردن معیاری برای قابلیت یا عدم قابلیت جبران آن بازمی‌گردد. در کاربرد متداول، خسارت تبعی به دلیل عدم قابلیت پیش‌بینی قابل مطالبه نیست، اما در برخی از

اسناد و قوانین آمریکایی مانند قانون متحدالشکل تجاری، تعبیر خسارت تبعی در مورد خسارت قابل مطالبه نیز (به شرط اینکه پیش‌بینی شده باشد) به کار رفته است.

۲. یکی از معانی خسارت تبعی در حقوق آمریکا خسارتی است که به دلیل بعید و باواسطه بودن قابل مطالبه نیست. خسارت تبعی به این مفهوم در حقوق کشور ما نیز قابل مطالبه نیست. در واقع، یکی از شرایط خسارت قابل مطالبه در حقوق ما بی‌واسطه بودن آن است. امروزه به این شرط در ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی^۱ تصریح شده است. بنابراین، با توجه به شرط مستقیم بودن زیان، نیازی نیست که در حقوق کشورمان خسارت تبعی به معنای خسارت باواسطه و بعید به‌عنوان نوع خاصی از زیان تلقی شود.

۳. معنای دیگر خسارت تبعی در حقوق آمریکا خسارت خاصی است که به اوضاع و احوال ویژه متعهدله وابسته است و جنبه طبیعی و عمومی ندارد. این نوع خسارت در صورتی قابل مطالبه است که متعهد آن را پیش‌بینی کرده باشد و طبق معیار درست‌تر، متعهدله هنگام انعقاد قرارداد آن را به اطلاع متعهد رسانده باشد. در این مورد نیز ذکر شرط قابلیت پیش‌بینی ذکر در زمره شروط خسارت قابل مطالبه، ما از ذکر خسارت تبعی به‌عنوان نوع مستقلی از زیان بی‌نیاز می‌کند.

۴. واژه «خسارت تبعی» در ادبیات حقوقی کشورمان واژه‌ای جدید و نوپا است و نویسندگان معانی متفاوت از آن اراده کرده‌اند. اما این مقدار مسلم تلقی است که شروطی که برای قابل مطالبه بودن این نوع خسارت در حقوق آمریکا مطرح شده، مانند مستقیم و قابل پیش‌بینی بودن که در حقوق ما نیز مورد پذیرش است. با این حال، با توجه به ابهام مفهومی واژه «خسارت تبعی»، بهتر است تا زمانی که این واژه معنای صریحی در مقررات یا ادبیات حقوقی کشورمان نیافته، در تنظیم قراردادها و شروط سلب مسئولیت از این نوع خسارت به جای این واژه مبهم اما پرکاربرد، از واژه‌هایی که معنای صریح‌تری دارند، مانند خسارت غیرقابل پیش‌بینی یا خسارت غیرمستقیم یا هر دوی آن‌ها استفاده کرد.

۱. «در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است، در غیر این صورت دادگاه دعوای مطالبه خسارت را رد خواهد کرد.»

فهرست منابع

- اسماعیلی، محسن و نصیری، محمد (۱۴۰۱ش). «اثر سوءنیت عامل زیان بر شروط قابلیت پیش‌بینی و مستقیم بودن ضرر»، دیدگاه‌های حقوق قضائی، شماره ۹۹.
- بابایی، ایرج (۱۳۹۶ش). حقوق مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
- بادینی، حسن و دیگران (۱۳۹۶ش). «خسارات تبعی در بیع بین‌المللی کالا»، فصلنامه تحقیقات حقوق، شماره ۱۰۷.
- جعفری بهزادکلانی، محسن و ابهری، حمید (۱۳۹۷ش). «مطالعه تطبیقی معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر در حقوق ایران و انگلستان»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴.
- حیبی، محمود (۱۳۹۱ش). «قابلیت پیش‌بینی ضرر در مسئولیت قراردادی در پرتو کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۹.
- حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۸۰ش). مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رنجبر صحرائی، مسعود رضا (۱۳۸۷ش). قواعد حقوقی حاکم بر تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد، چاپ اول، تهران: میزان.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد (بی‌تا). الوسیط فی شرح القانون المدنی، جلد ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۳ش). آثار قراردادها و تعهدات، چاپ دوم، تهران: مجد.
- صفائی، سید حسین و حبیب‌الله رحیمی (۱۳۹۶ش). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ دهم، تهران: سمت.
- غمامی، مجید (۱۳۸۸ش). قابلیت پیش‌بینی ضرر در مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰ش). قواعد عمومی قراردادها، جلد ۴، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گندم‌کار، حسین‌رضا و فاطمه میرزائی ارجنکی (۱۴۰۳ش). «بررسی تطبیقی ضابطه تشخیص خسارت مستقیم قراردادی و غیرقراردادی در نظام حقوقی کامن‌لا و ایران»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۶ش). قواعد عمومی مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

References

- Ceder, Megan A. and Travis J. Distaso (2015). Consequential Damages Waivers: How to Consequentially and Incidentally (Including Indirectly), Waive Your Remedy, Houston Law Review Online.
- Elliott, Catherine and Frances Quinn (2011). Contract Law, 8th edition, Harlow: Pearson Education Limited.
- Frey, Martin A. (2000). An Introduction to the Law of Contracts, 3rd edition, USA: West Legal Studies.
- Fuller, L. L. and William R. Perdue (1936). The Reliance Interest in Contract Damages: I, Yale Law Journal, Vol. 46.
- Gandomkar, Reza Hossein & Fatemeh Mirzaei Arjenaki (2024). Comparative study of the rules for determining direct contractual and non-contractual damages in the legal system of common law and Iran, Comparative Studies on Islamic and Western Law (in press)
- Garner, Bryan A. (2009). Black's Law Dictionary, 9th edition, Eagan: Thomson Reuters.
- Hause, Larry D. (1983). An Economic Approach to Hadley v. Baxendale: EVRA Corporation v. Swiss Bank Corporation, Nebraska Law Review, Vol. 62, pp. 951-973.

- Merica, Jo Ann and Sedgwick LLP (2011). Direct vs. Consequential Damages.
- Murphey, Arthur G. (1989). Consequential Damages in Contracts for the International Sale of Goods and the Legacy of Hadley, *Washington Journal of International Law & Economics*, Vol. 23, pp. 415–474.
- Perillo, Joseph M. (2005). *Corbin on Contracts, Damages*, Vol. 11, Revised Edition.
- Rose, Frederick W. (2004). *Substantive and Procedural Aspects of Assessing Damages*, Summit, New Jersey.
- Stone, Bradford (1980). Recovery of Consequential Damages for Product Recall Expenditures, *BYU Law Review*, pp. 485.
- Tepper, Pamela R. (2012). *The Law of Contracts and the Uniform Commercial Code*, 2nd edition, USA: Cengage Learning.
- Tettenborn, Andrew (2008). Consequential Damages in Contract - The Poor Relation, *Loyola of Los Angeles Law Review*, Vol. 42, pp. 177.
- Diamond, Thomas A. and Howard Foss (1994). Consequential Damages for Commercial Loss: An Alternative to Hadley v. Baxendale, *Fordham Law Review*, Vol. 63, pp. 665.
- Treitel, G. H. (1988). *Remedies for Breach of Contract*, Oxford: Oxford University Press.
- Treitel, G.H. (2015). *The Law of Contract*, 14th edition, ed. Edwin Peel, London: Thomson Reuters.
- Treitel, G.H. (2003). *The Law of Contract*, London: Sweet & Maxwell Limited.
- Turner, Paul S. (2001). Consequential Damages: Hadley v. Baxendale under the Uniform Commercial Code, *SMU Law Review*, Vol. 54, pp. 655.
- West, D. Glenn and Sara G. Duran (2008). Reassessing the “Consequences” of Consequential Damage Waivers in Acquisition Agreements, *The Business Lawyer*, Vol. 63, pp. 777–808.
- Ziegler, Marcia and Melanie Morris (2025). *Torts, Contracts & Legal Writing*, [online] Available at: <https://saalck.pressbooks.pub/tortscontractsandlegalwriting/chapter/chapter-14-remedies/> [Accessed 27 Jun. 2025].
- Babaei, Iraj (2017). *Law of Civil Liability*, 1st edition, Tehran: Judiciary Publications.
- Badini, Hassan, et al. (2017). Consequential Damages in International Sale of Goods, *Legal Research Quarterly*, No. 107. (In Persian).
- Esmaili, Mohsen; Nasiri, Mohammad (2022). The Effect of the Tortfeasor’s Malice on the Requirements of Foreseeability and Directness of Damages, *Judicial Legal Views*, Vol. 27, No. 99, pp. 101–126. (In Persian).
- Ghamami, Majid (2009). *The Foreseeability of Damages in Civil Liability*, 2nd edition, Tehran: Entesharat Sherkat Sahami Enteshar. (In Persian).
- Habibi, Mahmoud (2012). The Foreseeability of Damages in Contractual Liability in Light of Conventions and International Instruments, *Legal Research Journal*, Vol. 15, No. 59, pp. 279–320. (In Persian).
- Hosseini-Nejad, Hossein-Gholi (1991). *Civil Liability*, 1st edition, Tehran: Shahid Beheshti University.
- Yazdanian, Alireza (2007). *General Rules of Civil Liability*, 1st edition, Tehran: Nashr-e Mizan. (In Persian).
- Jafari Behzadkalayeh, Mohsen; Abhari, Hamid (2018). A Comparative Study of the Foreseeability Standard of Damages in Iranian and English Law, *Legal Studies Journal*, Vol. 36, No. 4, pp. 69–85. (In Persian).
- Katouzian, Naser (2001). *General Rules of Contracts*, Vol. 4, 3rd edition, Tehran: Sherkat-e Sahami-ye Enteshar. (In Persian).

- Ranjbar Sahraei, Masoudreza (2008). Legal Rules Governing Determination of Damages from Breach of Contract, Tehran: Mizan. (In Persian).
- Safae, Seyed Hossein; Rahimi, Habibollah (2017). Civil Liability (Non-Contractual Obligations), 10th edition, Tehran: SAMT. (In Persian).
- Shahidi, Mahdi (2004). Effects of Contracts and Obligations, 2nd edition, Tehran: Majd. (In Persian).
- Al-Sanhouri, Abd Al-Razzaq Ahmad (n.d). Al-Wasīf fī Sharḥ al-Qānūn al-Madani, Vol. 1, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی